



روح الله

ویژه ارتحال امام خمینی رهبر ■ خرداد ۱۳۹۵

۴ / درباره روح الله

۵ / هجرت به قم: تحصیل دروس تکمیلی و تدریس علوم اسلامی

۶ / امام خمینی (ره) در سنگر مبارزه و قیام

۱۱ / قیام ۱۵ خرداد

۱۳ / تبعید امام خمینی (ره) از ترکیه به عراق

۱۴ / امام خمینی (ره) و استمرار مبارزه در ۱۳۵۰ تا ۱۳۵۶

۱۴ / اوج گیری انقلاب اسلامی در ۱۳۵۶ و قیام مردم

۱۵ / هجرت امام خمینی (ره) از عراق به پاریس

۱۷ / بازگشت امام خمینی (ره) به ایران، پس از ۱۴ سال تبعید

۱۸ / رحلت امام خمینی (ره)

۲۴ / زندگی امام به روایت امام (ره)

۲۷ / روز شمار برخی مبارزات و تبعیدهای امام خمینی (ره)

۲۸ / خلاصه وصیت نامه امام خمینی (ره)

۳۲ / مسابقه فرهنگی «روح الله»

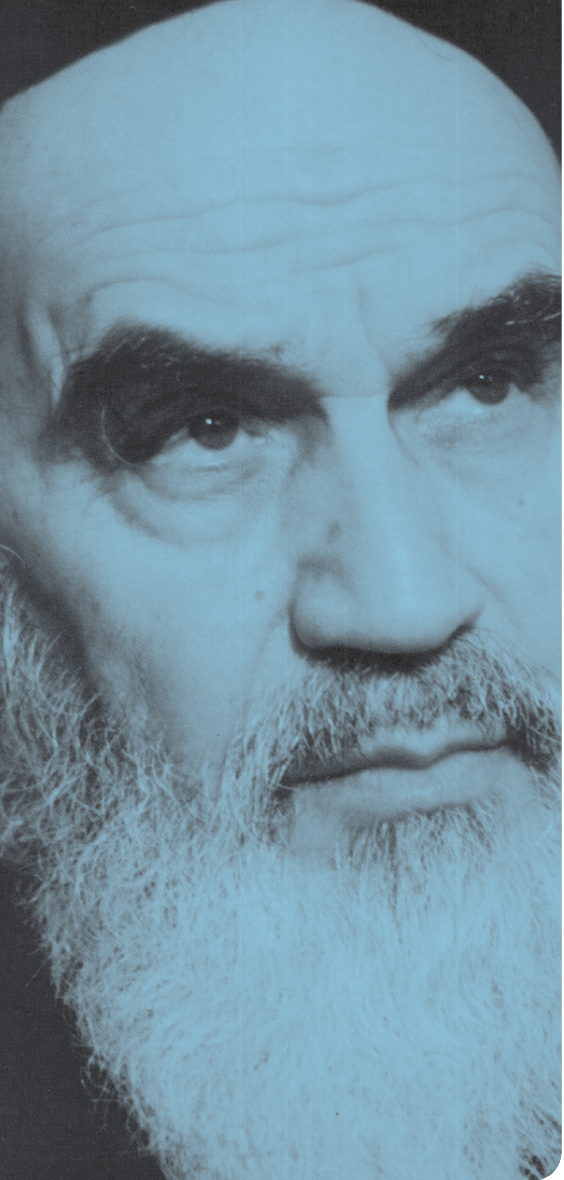


آستان قدس رضوی
معاونت تبلیغات و ارتباطات اسلامی

تهیه و تولید: اداره تولیدات فرهنگی
ویراستار: مریم رضانی و انسیه غلامرضا پور
طراح گرافیک و صفحه آرا: امین کوثری
چاپ: موسسه فرهنگی قدس
نوبت چاپ: اول، ۱۳۹۵
شمارگان: ۵۰۰۰
نشانی: حرر مطهر، صحن جامع رضوی
ضلع غربی، مدیریت فرهنگی
تلفن: ۰۵۱-۳۲۵۶۹۰۰
صندوق پستی: ۹۱۷۳۵-۳۵۱
حق چاپ محفوظ است.

روح الله

ویژه ارتحال امام خمینی (ره) ■ خرداد ۱۳۹۵



مقدمه

خرداد همیشه بار غم بر دوش ما نهاده است؛ چه آن ۱۵ خردادِ خونین، با شهادت‌ها و جوی خون و بوی باروت و چه این ۱۴ خردادِ غمبار، با رحلت امام علیه السلام و رنگ غم و غربت و ماتم.

امام علیه السلام برای ما راه و صراط بود، میزان و ملاک بود، اسوه و الگو بود؛ از این رو با رفتن او راهش باقی ماند. امام علیه السلام روی در نقاب خاک کشیده است؛ ولی فرزندان داغدارش از راه امام و کلام امام، مشعلی افروخته و برافراشته‌اند تا راه بشر امروز تیره نماند. امام علیه السلام رفت و برای همیشه بار غم بر دلمان نهاد؛ اما راهش ادامه یافت: نه از اسلام طلبی امت کاسته شد و نه از شکوه اسلام. نه از روح معنوی انقلاب کم شد و نه از صلابت ایستادگی در مقابل کفر جهانی و شیطان بزرگ!

سالگرد رحلت امام خمینی علیه السلام سالگرد بیعت و میثاق است با آنچه امام علیه السلام بر سر آن جان باخت و شهدا در راهش خون دادند و جانبازان، سلامتی خود را برای سلامت ماندنش ایثار کردند؛ یعنی پیمان با خدا و رسول صلی الله علیه و آله و سلم و اسلام و انقلاب.

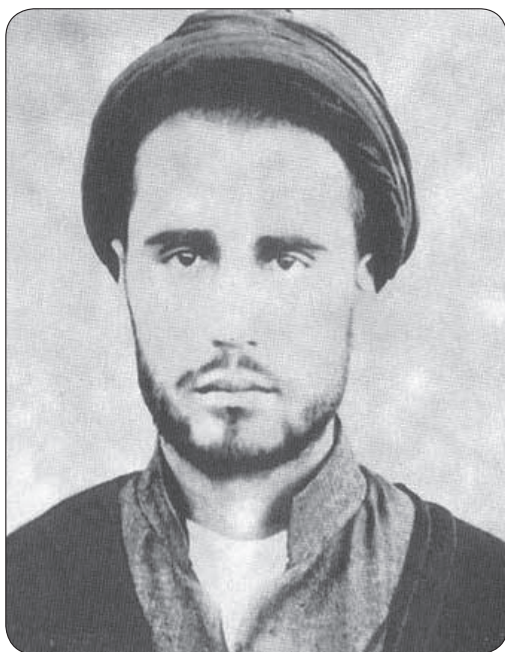
امام عزیز، در سالگرد عروج ملکوتی‌ات باز هم غم، جنگ بر دل‌هایمان می‌زند. فراموش‌کردنی نیست که سوگ ارتحال تو، مدینهٔ ایران را به غم و ماتم نشاند و چشمه‌های اشک را از دیدگان خون‌بار امتِ عاشق جاری ساخت. آنچه رفت، پیکر پاک و جسد مطهرت بود و آنچه ماند، فکر ناب و اندیشهٔ روشن و خط ماندگارت بود.

اماما! روح تو به آسمان‌ها پر کشید؛ اما راه تو، ای روح خدا، در زمین و میان عاشقان تداوم یافت. پرچمی که برافراشته بودی، اینک بر دوش علمداری رشید از نسل حسین فاطمه علیهما السلام است. خلف صالح تو، خامنه‌ای عزیز، با صلابت و درایت و محبوبیت، محور وحدت و مظهر ولایت شد و پس از تو، پروانگان سوخته دل و شکسته بال، گرداین مشعل هدایت و ارشاد، به طواف عشق پرداختند. ای امام، ای نگین افتاده از انگشتر امت، ای جان رفته از پیکر ایران، ای گوهر در خاک نهفته، ای پدر فرزندان

شهدا، ای سالار بسیجیان عاشق، چگونه مرگ تو را باور کنیم؟!

ای حیات‌بخش اسلام و ایران! حسینیۀ جماران از تو خالی است؛ اما سینهٔ هریک از ما حسینیۀ ای است پر از شیونِ عزا و لبریز از سوگ غمت. اکنون صدای تو خاموش است؛ اما فکر و قلب ما لبریز است از آهنگ کلام نجات‌بخش و هدایت‌گرانه‌ات و گوش تاریخ پر است از پیام‌های بت‌شکنانه‌ات.

جواد محدثی، بانددکی تغییر



درباره روح‌الله



۴

روح‌الله موسوی خمینی در ۲۰ جمادی الثانی ۱۳۲۰، مطابق با ۳۰ شهریور ۱۲۸۱ و ۲۱ سپتامبر ۱۹۰۲ در شهرستان خمین از توابع استان مرکزی، در خانواده‌ای اهل علم و هجرت و جهاد و در خاندانی از سلاله زهرای اطهر^۱، پای بر خاکدان طبیعت نهاد. او وارث سجایای آباواجدادی بود که نسل در نسل، در کار هدایت مردم و کسب معارف الهی کوشیده‌اند. پدر بزرگوار امام خمینی رحم مرحوم آیت‌الله سیدمصطفی موسوی رحم از معاصرین مرحوم آیت‌الله العظمی میرزای شیرازی رحم بود. آیت‌الله موسوی رحم پس از آنکه سالیانی چند در نجف اشرف علوم و معارف اسلامی را فرا گرفت و به درجه اجتهاد نائل آمد، به ایران بازگشت و در خمین سکونت کرد. در آن زمان، مردم در امور دینی خود به ایشان مراجعه می‌کردند.

درحالی‌که از ولادت روح‌الله بیش از ۵ ماه نمی‌گذشت، طاغوتیان و خوانین تحت حمایت عمال حکومت وقت، ندای حق‌طلبی این عالم بزرگوار، یعنی پدر امام خمینی رحم را که در برابر زورگویی‌های آن‌ها به مقاومت برخاسته بودند، با گلوله پاسخ گفتند و در مسیر خمین به اراک، وی را به شهادت رساندند. بستگان این شهید عزیز برای اجرای حکم الهی قصاص، به تهران که دارالحکومه وقت بود، رهسپار شدند و بر اجرای عدالت اصرار ورزیدند تا قاتل قصاص شد.

این گونه بود که امام خمینی رحمته الله علیه از اوان کودکی با رنج یتیمی و مفهوم شهادت آشنا شدند. امام رحمته الله علیه دوران کودکی و نوجوانی را تحت سرپرستی مادر مؤمنه‌شان، بانو هاجر گذراندند. این بانوی بزرگوار از خاندان علم و تقوا و از نوادگان مرحوم آیت‌الله خوانساری رحمته الله علیه نویسنده کتاب *زبدة التصانیف* بودند. حضرت امام رحمته الله علیه در این ایام، از آموزه‌های مهرآمیز عمه مکرمه‌شان، صاحبه‌خانم که ایشان هم بانویی شجاع و حق‌جو بودند، بهره‌بردند؛ اما در سن پانزده‌سالگی از نعمت وجود آن دو عزیز نیز محروم شدند.

هجرت به قم؛ تحصیل دروس تکمیلی و تدریس علوم اسلامی

اندکی پس از هجرت آیت‌الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی رحمته الله علیه در ایام نوروز ۱۳۰۰ مطابق با رجب‌المرجب ۱۳۴۰، امام خمینی رحمته الله علیه هم رهسپار حوزه علمی قم شدند و به سرعت مراحل تحصیلات تکمیلی علوم حوزوی را نزد اساتید حوزه قم طی کردند؛ ازجمله: فراگرفتن تتمه مباحث کتاب مطول در علم معانی و بیان، نزد مرحوم آقامیرزا محمدعلی ادیب‌تهرانی و تکمیل دروس سطح، نزد مرحوم آیت‌الله سیدمحمدتقی خوانساری و مرحوم آیت‌الله سیدعلی یثربی کاشانی و فراگیری دروس فقه و اصول، نزد زعیم حوزه قم، آیت‌الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی رحمته الله علیه.

پس از رحلت آیت‌الله العظمی حائری یزدی رحمته الله علیه، تلاش امام خمینی رحمته الله علیه به همراه جمعی دیگر از مجتهدین حوزه علمی قم به نتیجه رسید و آیت‌الله العظمی بروجردی رحمته الله علیه مسئولیت حوزه علمی را پذیرفتند و عازم قم شدند. در این زمان، امام خمینی رحمته الله علیه در کسوت یکی از مدرسین و مجتهدین صاحب‌رأی در فقه، اصول، فلسفه، عرفان و اخلاق شناخته شده بودند. حضرت امام رحمته الله علیه طی سال‌های طولانی در حوزه علمی قم به تدریس چندین دوره فقه، اصول، فلسفه، عرفان و اخلاق اسلامی در فیضیه، مسجد اعظم، مسجد محمدیه، مدرسه حاج ملاصادق، مسجد سلماسی و... همت گماشتند. در حوزه علمی نجف نیز نزدیک به ۱۴ سال در مسجد اعظم شیخ انصاری رحمته الله علیه، معارف اهل بیت علیهم السلام و فقه را در عالی‌ترین سطوح تدریس کردند. حضرت امام رحمته الله علیه در همین ایامی که در نجف بودند، برای نخستین بار مبانی نظری حکومت اسلامی را در سلسله درس‌های ولایت فقیه بازگو کردند.





امام خمینی رحمته الله علیه در سنگر مبارزه و قیام

روحیه مبارزه و جهاد در راه خدا در وجود امام خمینی رحمته الله علیه، ریشه در بینش اعتقادی، تربیت، محیط خانوادگی و شرایط سیاسی و اجتماعی طول دوران زندگی آن بزرگوار داشته است. مبارزات حضرت روح الله رحمته الله علیه از دوران نوجوانی شان آغاز شد. سیر تکاملی این مبارزات در اشکال مختلف، به موازات تکامل ابعاد روحی و علمی ایشان و اوضاع و احوال سیاسی و اجتماعی ایران و جوامع اسلامی ادامه یافت. در سال های ۱۳۴۰ و ۱۳۴۱ ماجرای انجمن های ایالتی و ولایتی، فرصتی پدید آورد تا ایشان در رهبری کردن قیام و روحانیان ایفای نقش کنند. بدین ترتیب قیام سراسری روحانیان و ملت ایران در ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ با دو ویژگی برجسته، یعنی رهبری واحد امام خمینی رحمته الله علیه و اسلامی بودن انگیزه ها و شعارها و هدف های قیام، سرآغازی شد بر فصل نوین مبارزات ملت ایران که بعدها با نام انقلاب اسلامی در جهان شناخته و معرفی شد.

امام خمینی رحمته الله علیه خاطره خود از جنگ جهانی اول را که در آن زمان دوازده ساله بودند، این گونه بیان می کنند: «من هر دو جنگ بین المللی را یادم هست ... من کوچک بودم؛ لکن مدرسه می رفتم و سربازهای شوروی را در همان مرکزی که ما داشتیم در خمین، من آنجا آن ها را می دیدم و ما مورد تاخت و تاز واقع می شدیم در جنگ بین المللی [ی] اول.»

در جایی دیگر، حضرت امام رحمته الله علیه با یادآوری اسامی برخی از خوانین و اشرارستمگر که در پناه حکومت مرکزی به غارت اموال و نوامیس مردم می پرداختند، می فرماید: «من



از بجگی در جنگ بودم... ما مورد [هجوم] زلّی‌ها بودیم، مورد هجوم رجبعلی‌ها بودیم و خودمان تفنگ داشتیم و من در عین حالی که تقریباً شاید اوایل بلوغم بود [و] بچه بودم، دور این سنگرهایی که بسته بودند در محلّ ما و این‌ها می‌خواستند هجوم کنند و غارت کنند، آنجا می‌رفتیم سنگرها را سرکشی می‌کردیم. کودتای رضاخان در سوم اسفند ۱۲۹۹ ش که بنابر گواهی اسناد و مدارک تاریخی و غیرقابل‌خدشه، به‌وسیله انگلیس‌ها حمایت و سازماندهی شده بود، هرچند که به سلطنت قاجاریه پایان بخشید و تا حدودی حکومت ملوک‌الطوایفی خوانین و اشرار پراکنده را محدود ساخت؛ اما در عوض آن‌چنان دیکتاتوری پدید آورد که در سایه آن هزار فامیل بر سرنوشت ملت مظلوم ایران حاکم شدند و دودمان پهلوی به‌تنهایی عهده‌دار نقش سابق خوانین و اشرار گردید.»

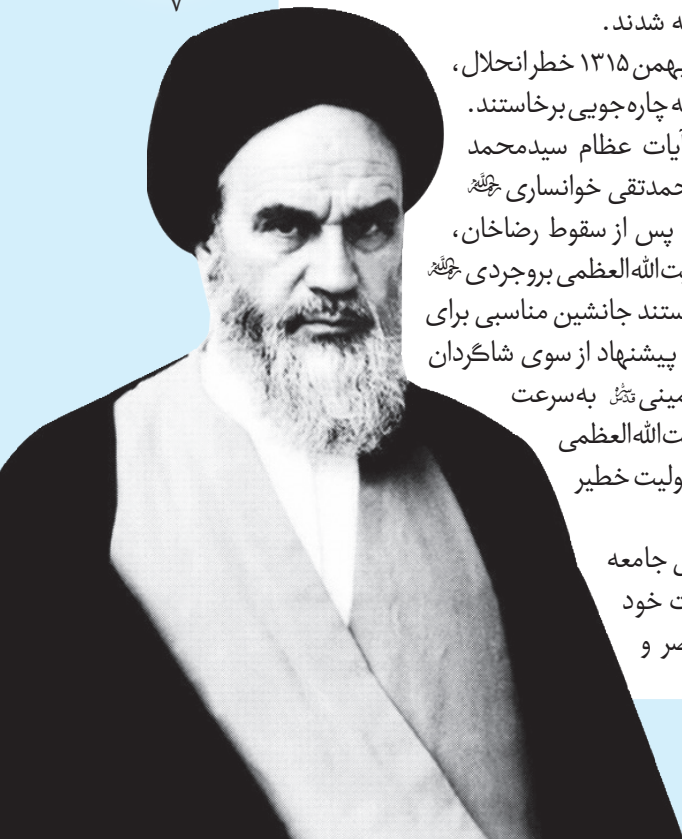
در چنین شرایطی، روحانیان ایران که پس از وقایع نهضت مشروطیت، در تنگنای هجوم بی‌وقفه دولت‌های وقت و عمّال انگلیسی از یک سو و دشمنی‌های غرب‌باختگان روشن‌فکرماّب از سوی دیگر قرار داشت، برای دفاع از اسلام و حفظ موجودیت خویش به تکاپو افتادند. آیت‌الله‌العظمی حاج‌شیخ عبدالکریم حائری رحمته به دعوت علمای وقت قم، از اراک به این شهر هجرت کردند. اندکی پس از آن، امام خمینی رحمته که با بهره‌گیری از استعداد فوق‌العاده خویش دروس مقدماتی و سطوح حوزه علمیه را در خمین و اراک با سرعت طی کرده بودند، به قم هجرت کردند. ایشان با مشارکت فعال خود، نقش بسزایی در تحکیم موقعیت حوزه نو تأسیس قم داشتند و زمان چندانی نگذشت که در شمار فضایی برجسته این حوزه در عرفان و فلسفه و فقه و اصول شناخته شدند.

پس از رحلت آیت‌الله‌العظمی حائری رحمته در ۱۳ بهمن ۱۳۱۵ خطر انحلال، حوزه علمیه قم را تهدید می‌کرد. علمای متعهد به چاره‌جویی برخاستند. مدت ۸ سال سرپرستی حوزه علمیه قم را آیات عظام سیدمحمد حجت رحمته و سیدصدرالدین صدر رحمته و سیدمحمدتقی خوانساری رحمته بر عهده گرفتند. در این فاصله و به‌خصوص پس از سقوط رضاخان، شرایط برای تحقق مرجعیت عظمی فراهم شد. آیت‌الله‌العظمی بروجردی رحمته شخصیت علمی برجسته‌ای بودند که می‌توانستند جانشین مناسبی برای مرحوم حائری و حفظ بنیان حوزه باشند. این پیشنهاد از سوی شاگردان آیت‌الله‌العظمی حائری رحمته و از جمله امام خمینی رحمته به سرعت تعقیب شد. شخص امام رحمته در دعوت از آیت‌الله‌العظمی بروجردی رحمته برای هجرت به قم و پذیرش مسئولیت خطیر زعامت حوزه، مجدّانه تلاش کردند.

خمینی کبیر رحمته که با دقت، شرایط سیاسی جامعه و وضعیت حوزه‌ها را زیر نظر داشتند و اطلاعات خود را از طریق مطالعه مستمر کتب تاریخ معاصر و



V





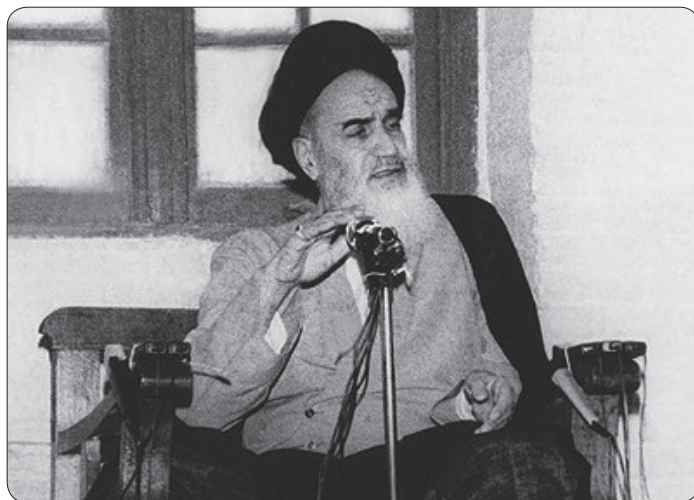
مجلات و روزنامه‌های وقت و رفت‌وآمد به تهران و درک محضر بزرگانی همچون آیت‌الله مدرس رحمه‌الله تکمیل می‌کردند، دریافت‌ه بودند که یگانه نقطه امید به رهایی و نجات از وضعیت ذلت‌باری که پس از شکست مشروطیت و به‌خصوص پس از روی کار آوردن رضاخان پدید آمده است، بیداری حوزه‌های علمیه و پیش از آن، تضمین حیات حوزه‌ها و ارتباط معنوی مردم با روحانیان است.

ایشان در تعقیب هدف‌های ارزشمند خویش، در سال ۱۳۲۸ طرح اصلاح اساس ساختار حوزه علمیه را با همکاری آیت‌الله مرتضی حائری رحمه‌الله تهیه کردند و به آیت‌الله العظمی بروجردی رحمه‌الله پیشنهاد دادند. شاگردان امام رحمه‌الله و طلاب روشن‌ضمیر حوزه، از این طرح استقبال و حمایت کردند. لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی که به موجب آن، شرط مسلمان بودن و سوگند به قرآن کریم و مردوبودن انتخاب‌کنندگان و کاندیداها تغییر می‌یافت، در ۱۶ مهر ۱۳۴۱ به تصویب کابینه امیراسدالله علم رسید.

آزادی انتخابات زنان، پوششی برای مخفی‌نگه داشتن هدف‌های دیگر بود. حذف و تغییر دو شرط نخست هم، دقیقاً به منظور قانونی کردن حضور عناصر بهایی در صدر مناصب کشور صورت پذیرفته بود. چنان‌که قبلاً نیز اشاره شد، شرط حمایت‌های آمریکا از شاه، پشتیبانی شاه از رژیم صهیونیستی در توسعه مناسبات ایران و اسرائیل بود و نفوذ پیروان مسلک استعماری بهائیت در قوای سه‌گانه ایران، این شرط را تحقق می‌بخشید.

اما رژیم در محاسباتش اشتباه کرده بود: امام خمینی رحمه‌الله به همراه علمای بزرگ قم و تهران، به محض انتشار خبر تصویب لایحه گفته شده، پس از تبادل نظر، دست به اعتراضات همه‌جانبه زدند. نقش حضرت امام رحمه‌الله در روشن شدن اهداف





واقعی رژیم شاه و گوشزد کردن رسالت خطیر علما و حوزه‌های علمیه در این اوضاع، بسیار مؤثر و کارساز بود. تلگراف‌ها و نامه‌های سرگشاده اعتراض‌آمیز علما به شاه و اسدالله علم، موجی از حمایت را در اقشار مختلف مردم برانگیخت. لحن تلگراف‌های امام خمینی رحمه الله به شاه و نخست‌وزیر، تند و هشداردهنده بود. در یکی از این تلگراف‌ها آمده بود: «این جانب مجدداً به شما نصیحت می‌کنم که به اطاعت خداوند متعال و قانون اساسی گردن نهید و از عواقب وخیمه تخلف از قرآن و احکام علمای ملت و زعمای مسلمین و تخلف از قانون اساسی بترسید و عمداً و بدون موجب، مملکت را به خطر نیندازید و الاً علمای اسلام درباره شما از اظهار عقیده خودداری نخواهند کرد.»

بدین ترتیب ماجرای انجمن‌های ایالتی و ولایتی، تجربه‌ای پیروز و گران قدر برای ملت ایران به وجود آورد؛ به‌ویژه اینکه طی آن، ویژگی‌های شخصیتی را شناختند که از هر جهت برای رهبری امت اسلام شایسته بود. با وجود شکست شاه در ماجرای انجمن‌ها، فشار آمریکا برای انجام اصلاحات مدنظر ادامه یافت. شاه در دی‌ماه ۱۳۴۱ اصول شش‌گانه اصلاحات خویش را برشمرد و خواستار رفراندوم شد.

امام خمینی رحمه الله بار دیگر مراجع و علمای قم را به نشست و چاره‌جویی دوباره فراخواندند. با پیشنهاد امام خمینی رحمه الله عید باستانی نوروز ۱۳۴۲ در اعتراض به اقدامات رژیم تحریم شد. در اعلامیه حضرت امام رحمه الله از انقلاب سفید شاه، به انقلاب سیاه تعبیر شده و هم‌سویی شاه با اهداف آمریکا و اسرائیل افشا شده بود. از سوی دیگر، شاه درباره آمادگی جامعه ایران برای انجام اصلاحات آمریکا، به مقامات واشنگتن اطمینان داده بود و نام اصلاحات را انقلاب سفید نهاده بود؛ از این رو مخالفت علما برای وی بسیار گران می‌آمد.

امام خمینی رحمته الله علیه در اجتماع مردم، بی‌پروا از شخص شاه به عنوان عامل اصلی جنایات و هم‌پیمان با اسرائیل یاد می‌کردند و مردم را به قیام فرا می‌خواندند. ایشان در سخنرانی خود در ۱۲ فروردین ۱۳۴۲ به شدت از سکوت علمای قم و نجف و دیگر بلاد اسلامی در مقابل جنایات تازه رژیم انتقاد کردند و فرمودند: «امروز سکوت، همراهی با دستگاه جبار است.» حضرت امام رحمته الله علیه در روز بعد، ۱۳ فروردین ۱۳۴۲ اعلامیه معروف خود را با عنوان «شاه‌دوستی، یعنی غارتگری» منتشر کردند. راز تأثیر شگفت‌پیمای و کلام امام رحمته الله علیه در روان مخاطبان ایشان را که تا مرز جان‌بازی پیش می‌رفتند، باید در همین اصالت اندیشه و صلابت رأی و صداقت بی‌شائبه آن عزیز با مردم جست‌وجو کرد.

سال ۱۳۴۲ با تحریم مراسم عید نوروز آغاز و با خون مظلومان فیضیه خون‌رنگ شد. شاه بر انجام اصلاحات مدنظر آمریکا اصرار می‌ورزید و حضرت امام رحمته الله علیه بر آگاه کردن مردم و قیام آنان در برابر دخالت‌های آمریکا و خیانت‌های شاه پافشاری داشتند. در ۱۴ فروردین ۱۳۴۲ آیت‌الله العظمی حکیم رحمته الله علیه طی تلگراف‌هایی به علما و مراجع ایران از نجف، خواستار آن شدند که همگی به صورت دسته‌جمعی به نجف هجرت کنند. این پیشنهاد برای حفظ جان علما و کیان حوزه‌ها مطرح شده بود.

امام خمینی رحمته الله علیه بدون اعتنا به این تهدیدها، پاسخ تلگراف آیت‌الله العظمی حکیم رحمته الله علیه را ارسال و در آن تأکید کرده بودند که هجرت دسته‌جمعی علما و خالی کردن حوزه علمیه قم، به مصلحت نیست. این بزرگوار رحمته الله علیه در پیامی در ۱۲ اردیبهشت ۱۳۴۲ به مناسبت چهل‌م فاجعه فیضیه، بر همراهی علما و ملت ایران در رویارویی سران ممالک اسلامی و دُول عربی با اسرائیل غاصب تأکید کرده و پیمان‌های شاه و اسرائیل را محکوم کردند.





قیام ۱۵ خرداد



۱۱

محرم الحرام ۱۳۴۲ که مصادف با خردادماه بود، فرا رسید. امام خمینی رحمته الله علیه از این فرصت، نهایت استفاده را در تحریک مردم به قیام علیه رژیم مستبد شاه به عمل آوردند. ایشان در عصر عاشورای ۱۳۸۳ مطابق با ۱۳ خرداد ۱۳۴۲ در مدرسه فیضیه، نطق تاریخی خود را که آغازی بر قیام ۱۵ خرداد بود، ایراد کردند و در همین سخنرانی بود که با صدای بلند خطاب به شاه فرمودند: «آقا! من به شما نصیحت می‌کنم. ای آقای شاه! ای جناب شاه! من به تو نصیحت می‌کنم دست بردار از این کارها. آقا، اغفال می‌کنند تو را. من میل ندارم که یک روز اگر بخواهند تو بروی، همه شکر کنند... اگر دیکته می‌دهند دستت و می‌گویند بخوان، در اطرافش فکر کن... نصیحت مرا بشنو... ربط ما بین شاه و اسرائیل چیست که سازمان امنیت می‌گوید از اسرائیل حرف نزیند؟!... مگر شاه، اسرائیلی است؟!»

شاه فرمان خاموش کردن قیام را صادر کرد. نخست جمع زیادی از یاران امام خمینی رحمته الله علیه در شامگاه ۱۴ خرداد دستگیر شدند. ساعت ۳ سحرگاه ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ سدها کماندوی اعزامی از مرکز، منزل حضرت امام رحمته الله علیه را محاصره کردند و ایشان را درحالی که مشغول نماز شب بودند، دستگیر کردند و سراسیمه به تهران بردند. آن بزرگوار در بازداشتگاه باشگاه افسران، زندانی و غروب آن روز به زندان قصر منتقل شدند. صبحگاه ۱۵ خرداد، خبر دستگیری رهبرانقلاب به تهران، مشهد، شیراز و دیگر شهرها رسید و وضعیتی مشابه قم پدید آمد.

نزدیک‌ترین ندیم همیشگی شاه، تیمسار حسین فردوست، در خاطراتش از به‌کارگیری تجربه‌ها و همکاری زبده‌ترین مأموران سیاسی و امنیتی آمریکا برای

سرکوب قیام و همچنین از سراسیمگی شاه و دربار و امرای ارتش و ساواک در این ساعات، پرده برداشته و توضیح داده است که چگونه شاه و ژنرال‌هایش دیوانه‌وار فرمان سرکوب صادر می‌کردند.

امام خمینی رحمه‌الله پس از نوزده روز حبس در زندان قصر، به زندانی در پادگان نظامی عشرت‌آباد منتقل شدند.

با دستگیری رهبر نهضت و کشتار وحشیانه مردم در ۱۵ خرداد ۱۳۴۲، قیام در ظاهر سرکوب شد. امام خمینی رحمه‌الله در حبس، از پاسخ گفتن به سؤالات بازجویان اجتناب ورزیدند و با شهادت اعلام کردند که هیئت حاکمه و قوه قضائیه در ایران را غیرقانونی و فاقد صلاحیت می‌دانند.

در شامگاه ۱۸ فروردین ۱۳۴۳ بدون اطلاع قبلی، امام خمینی رحمه‌الله آزاد و به قم منتقل شدند. به محض اطلاع مردم، شادمانی سراسر شهر را فرا گرفت و به مدت چند روز جشن‌های باشکوهی در مدرسه فیضیه و دیگر مکان‌ها برپا شد. در سال ۱۳۴۳ امام خمینی رحمه‌الله و دیگر مراجع تقلید، با صدور بیانیه‌ای مشترک و بیانیه‌های جداگانه حوزه‌های علمیه، اولین سالگرد قیام ۱۵ خرداد را گرامی داشتند و این روز را عزای عمومی اعلام کردند.

امام خمینی رحمه‌الله در ۴ آبان ۱۳۴۳ بیانیه‌ای انقلابی صادر کردند. در آن بیانیه آمده بود: «دنیا بداند که هر گرفتاری‌ای که ملت ایران و ملل مسلمین دارند، از اجانب است، از آمریکاست. ملل اسلام از اجانب عموماً و از آمریکا خصوصاً متنفر است... آمریکاست که از اسرائیل و هواداران آن پشتیبانی می‌کند. آمریکاست که به اسرائیل قدرت می‌دهد که اعراب مسلم را آواره کند.»

افشاکری امام رحمه‌الله علیه تصویب لایحه کاپیتولاسیون، ایران را در آبان ۱۳۴۳ در آستانه قیامی دوباره قرار داد. سحرگاه ۱۳ آبان ۱۳۴۳ دوباره کماندوهای مسلح اعزامی از تهران، منزل امام خمینی رحمه‌الله در قم را محاصره کردند. باز هم وقت بازداشت، همانند سال قبل، مصادف با نیایش شبانه امام خمینی رحمه‌الله بود. حضرت امام رحمه‌الله بازداشت و به همراه نیروهای امنیتی، مستقیماً به فرودگاه مهرآباد تهران اعزام و با یک فروند هواپیمای نظامی که از قبل آماده شده بود، تحت الحفظ مأموران امنیتی و نظامی به آنکارا پرواز کردند.

عصر آن روز، ساواک خبر تبعید امام رحمه‌الله را به اتهام اقدام علیه امنیت کشور در روزنامه‌ها منتشر کرد. با وجود فضای خفقان، موجی از اعتراض‌ها به صورت تظاهرات در بازار تهران، تعطیلی طولانی مدت دروس حوزه‌ها و ارسال طومارها و نامه‌ها به سازمان‌های بین‌المللی و مراجع تقلید، جلوه‌گر شد.

اقامت امام رحمه‌الله در ترکیه، یازده ماه به‌درازا کشید. در این مدت، رژیم شاه با شدت عمل بی‌سابقه‌ای، بقایای مقاومت در ایران را درهم شکست و در غیاب امام خمینی رحمه‌الله به سرعت دست به اصلاحات آمریکاپسند زد. اقامت اجباری در ترکیه، فرصتی مغتنم برای امام رحمه‌الله بود تا تدوین کتاب بزرگ تحریر الوسیله را آغاز کنند.





تبعید امام خمینی رحمته الله علیه از ترکیه به عراق

۱۳ مهرماه ۱۳۴۳ حضرت امام رحمته الله علیه به همراه فرزندشان آیت الله حاج آقا مصطفی رحمته الله علیه از ترکیه به تبعیدگاه دوم، یعنی کشور عراق اعزام شدند. امام خمینی رحمته الله علیه پس از ورود به بغداد، برای زیارت مرقد ائمه اطهار علیهم السلام به شهرهای کاظمین و سامرا و کربلا شتافتند و یک هفته بعد به محل اصلی اقامت خود، یعنی نجف عزیمت کردند.

دوران اقامت طولانی و سیزده ساله امام خمینی رحمته الله علیه در نجف، در وضعیتی آغاز شد که هرچند در ظاهر فشارها و محدودیت‌های مستقیم در حد محدودیت‌های موجود در ایران و ترکیه وجود نداشت؛ اما مخالفت‌ها و کارشکنی‌ها و زخم‌زبان‌ها نه از جبهه دشمن آشکار، بلکه از ناحیه روحانی نمایان و دنیاخواهان مخفی شده در لباس دین، آن‌چنان گسترده و آزاردهنده بود که امام با همه صبر و بردباری معروفشان، بارها از سختی شرایط مبارزه در این سال‌ها به تلخی تمام یاد کرده‌اند! ولی باز هم هیچ‌یک از این مصائب و دشواری‌ها نتوانست ایشان را از مسیری که آگاهانه انتخاب کرده بودند، باز دارند.

امام خمینی رحمته الله علیه سلسله درس‌های خارج فقه خود را با همه مخالفت‌ها و کارشکنی‌های عناصر مغرض، در آبان ۱۳۴۴ در مسجد شیخ انصاری رحمته الله علیه در نجف آغاز کردند. تدریس امام رحمته الله علیه تا زمان هجرتشان از عراق به پاریس ادامه داشت و حوزه درسی ایشان به عنوان یکی از برجسته‌های حوزه‌های درسی نجف از نظر کیفیت و کمیت شاگردان شناخته می‌شد. امام خمینی رحمته الله علیه از بدو ورود به نجف، با ارسال نامه‌ها و پیک‌هایی به ایران، ارتباط خود را با مبارزین حفظ کردند و آنان را در هر مناسبتی به پایداری در پیگیری اهداف قیام ۱۵ خرداد فرامی‌خواندند. امام خمینی رحمته الله علیه در تمام دوران پس از تبعیدشان، با وجود



دشواری‌های پدیدآمده، هیچ‌گاه از مبارزه دست نکشیدند و با سخنرانی‌ها و پیام‌های خود امید به پیروزی را در دل‌ها زنده نگه می‌داشتند. امام خمینی رحمه الله در گفت‌وگویی با نماینده سازمان الفتح فلسطین، در ۱۹ مهر ۱۳۴۷ دیدگاه‌های خود را درباره مسائل جهان اسلام و جهاد ملت فلسطین تشریح کردند و بر وجوب اختصاص بخشی از وجوه شرعی زکات به مجاهدان فلسطینی فتوا دادند.

اوایل سال ۱۳۴۸ اختلافات بین رژیم شاه و حزب بعث عراق، بر سر مرزآبی دو کشور شدت گرفت. رژیم عراق جمع زیادی از ایرانیان مقیم این کشور را در بدترین وضعیت اخراج کرد. حزب بعث بسیار کوشید تا از دشمنی امام خمینی رحمه الله با رژیم ایران در آن اوضاع بهره گیرد.

۴ سال تدریس و تلاش و روشنگری امام خمینی رحمه الله توانسته بود تا حدودی فضای حوزه نجف را دگرگون کند. در سال ۱۳۴۸ علاوه بر مبارزان بی‌شمار داخل کشور، مخاطبان زیادی در عراق و لبنان و دیگر بلاد اسلامی، نهضت امام خمینی رحمه الله را الگوی خویش می‌دانستند.

امام خمینی رحمه الله و استمرار مبارزه در ۱۳۵۰ تا ۱۳۵۶

نیمه دوم ۱۳۵۰ اختلافات بین رژیم بعثی عراق و شاه بالا گرفت و به اخراج و آواره شدن بسیاری از ایرانیان مقیم عراق انجامید. امام خمینی رحمه الله طی تلگرافی به رئیس‌جمهور عراق، به شدت اقدامات این رژیم را محکوم کردند. حضرت امام رحمه الله در اعتراض به اوضاع پیش آمده، تصمیم به خروج از عراق گرفتند؛ اما حکام بغداد با آگاهی از پیامدهای هجرت امام رحمه الله در آن شرایط، اجازه خروج ندادند. در سال ۱۳۵۴ سالگرد قیام ۱۵ خرداد، مدرسه فیضیه قم، بار دیگر شاهد قیام طلاب انقلابی بود. فریادهای درود بر خمینی و مرگ بر سلسله پهلوی، به مدت دو روز ادامه داشت. پیش از این، سازمان‌های چریکی متلاشی شده و شخصیت‌های مذهبی و سیاسی مبارز، گرفتار زندان‌های رژیم بودند.

شاه در ادامه سیاست‌های مذهب ستیز خود، در اسفند ۱۳۵۴ وقیحانه، تاریخ رسمی کشور را از مبدأ هجرت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله به مبدأ سلطنت شاهان هخامنشی تغییر داد. امام خمینی رحمه الله در واکنشی سخت، فتوا به حرمت استفاده از تاریخ بی‌پایه شاهنشاهی دادند. تحریم استفاده از این مبدأ موهوم تاریخی، همانند تحریم حزب رستاخیز، از سوی مردم ایران استقبال شد و این نیز افتضاحی دیگر برای رژیم شاه به بار آورد؛ از این رو رژیم در سال ۱۳۵۷ ناچار به عقب‌نشینی و لغو تاریخ شاهنشاهی شد.

اوج‌گیری انقلاب اسلامی در ۱۳۵۶ و قیام مردم

امام خمینی رحمه الله که به دقت تحولات جاری جهان و ایران را زیر نظر داشتند، از فرصت



به دست آمده نهایت بهره‌برداری را کردند. آن بزرگوار در مرداد ۱۳۵۶ طی پیامی اعلام کردند: «اکنون به واسطهٔ اوضاع داخلی و خارجی و انعکاس جنایات رژیم در مجامع و مطبوعات خارجی، فرصتی است که باید مجامع علمی و فرهنگی و رجال وطن خواه و دانشجویان خارج و داخل و انجمن‌های اسلامی، در هر جایی، بی‌درنگ از آن استفاده کنند و بی‌پرده به پا خیزند.»

شهادت آیت‌الله حاج آقا مصطفی خمینی رحمته در ۱۱ آبان ۱۳۵۶ و مراسم پُرشکوهی که در ایران برگزار شد، نقطهٔ آغازی برای خیزش دوبارهٔ حوزه‌های علمیه و قیام جامعهٔ مذهبی ایران بود. امام خمینی رحمته در همان زمان، به گونه‌ای شگفت، این واقعه را از الطاف خفیهٔ الهی نامیدند. رژیم شاه با درج مقاله‌ای توهین‌آمیز علیه امام رحمته در روزنامهٔ اطلاعات، به خیال خام خود انتقام گرفت. اعتراض به این مقاله، به قیام ۱۹ دی ۱۳۵۶ در قم منجر شد که طی آن جمعی از طلاب انقلابی به خاک و خون کشیده شدند. شاه با وجود دست‌زدن به کشتارهای جمعی نتوانست این شعله‌های افروخته‌شده را خاموش کند. او در آن اوضاع، یعنی دست‌زدن آمریکا به کودتای نظامی، تنها راه باقی‌مانده را بسیج نظامی و جهاد مسلحانهٔ عمومی دانست.

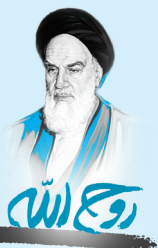
هجرت امام خمینی رحمته از عراق به پاریس

در دیدار وزرای خارجهٔ ایران و عراق در نیویورک، تصمیم بر این شد که امام خمینی رحمته را از عراق اخراج کنند. ۲ مهر ۱۳۵۷ منزل امام رحمته در نجف، به وسیلهٔ قوای بعثی محاصره شد. انعکاس این خبر با خشم گستردهٔ مسلمانان در ایران و عراق و دیگر کشورها مواجه شد. دوازدهم مهر، امام خمینی رحمته نجف را به مقصد مرز کویت ترک کردند. دولت کویت با اشارهٔ رژیم ایران، از ورود امام رحمته به این کشور جلوگیری کرد. قبل از آن، صحبت از هجرت امام رحمته به لبنان یا سوریه بود؛ اما ایشان پس از مشورت با فرزندشان، حجت‌الاسلام حاج سیداحمد خمینی رحمته، تصمیم گرفتند به پاریس هجرت کنند. در چهاردهم مهر وارد پاریس شدند و دو روز بعد در منزل یکی از ایرانیان در نوفل‌لوشاتو در حومهٔ پاریس مستقر شدند. مأمورین کاخ الیزه نظر رئیس‌جمهور فرانسه را مبنی بر اجتناب از هرگونه فعالیت سیاسی به امام ابلاغ کردند. ایشان نیز در واکنشی تند، تصریح کرده بودند که این‌گونه محدودیت‌ها خلاف ادعای دموکراسی است و اگر ناگزیر شوند تا از این فرودگاه به آن فرودگاه و از این کشور به آن کشور بروند، باز هم دست از هدف‌هایشان نخواهند کشید.

امام خمینی رحمته در دی‌ماه ۱۳۵۷ شورای انقلاب را تشکیل دادند. شاه نیز پس از تشکیل شورای سلطنت و گرفتن رأی اعتماد برای کابینهٔ بختیار، در ۲۶ دی‌ماه از کشور فرار کرد. این خبر در شهر تهران و سپس دیگر شهرها پیچید و مردم در خیابان‌ها به جشن و پای‌کوبی پرداختند.







بازگشت امام خمینی رحمه الله به ایران، پس از ۱۴ سال تبعید

اوایل بهمن ۱۳۵۷ خبر تصمیم امام رحمه الله برای بازگشت به کشور منتشر شد. هرکه این را می شنید، اشک شوق فرومی ریخت؛ چراکه ۱۴ سال انتظار کشیده بودند. درعین حال، مردم و دوستان امام رحمه الله نگران جان ایشان بودند. هنوز دولت دست نشاندۀ شاه، سر پا و حکومت نظامی هم برقرار بود. با وجود این، امام خمینی رحمه الله تصمیم خود را گرفته بودند و طی پیام‌هایی به مردم ایران گفته بودند که می‌خواهند در این روزهای سرنوشت‌ساز و خطیر در کنار مردمشان باشند.

دولت بختیار با هماهنگی ژنرال هایزر، فرودگاه‌های کشور را به روی پروازهای خارجی بست؛ اما پس از چند روز تاب مقاومت نیاورد و ناگزیر شد خواست ملت را بپذیرد. حضرت امام رحمه الله سرانجام بامداد ۱۲ بهمن ۱۳۵۷ پس از ۱۴ سال دوری از وطن، وارد کشور شدند. استقبال بی‌سابقه مردم ایران، چنان عظیم و انکارنشده بود که خبرگزاری‌های غربی نیز ناچار شدند به این امر اعتراف کنند و آن‌ها استقبال‌کنندگان را بین ۴ تا ۶ میلیون نفر برآورد کردند.



رحلت امام خمینی

وصال یار؛ فراق یاران

حضرت امام رحمته الله هدف‌ها و آرمان‌ها و هر آنچه را که می‌بایست ابلاغ شود، گفته بودند و در عمل نیز تمام هستی خود را برای تحقق همان هدف‌ها به کار گرفته بودند. این بزرگ‌مرد، در آستانه نیمه خرداد ۱۳۶۸ خود را آماده ملاقات عزیزی می‌کردند که تمام عمر را برای جلب رضای او صرف کرده و قامتشان جز در برابر او، در مقابل هیچ قدرتی خم نشده و چشمانشان جز برای او گریه نکرده بود. سروده‌های عارفانه امام رحمته الله همه حاکی از درد فراق و بیان عطش در انتظار وصال محبوب بود. ۱۳ خرداد ۱۳۶۸ بود. اینک این لحظه شکوهمند برای امام رحمته الله و لحظه جان‌گناه و تحمل‌ناپذیر برای پیروانشان فرا می‌رسید. امام رحمته الله در وصیت‌نامه خود نوشته‌اند: «با دلی آرام و قلبی مطمئن و روحی شاد و ضمیری امیدوار به فضل خدا از خدمت خواهران و برادران مرخص و به سوی جایگاه ابدی سفر می‌کنم و به دعای خیر شما احتیاج مبرم دارم و از خدای رحمن و رحیم می‌خواهم که عذرم را در کوتاهی خدمت و قصور و تقصیر بپذیرد و از ملت امیدوارم که عذرم را در کوتاهی‌ها و قصور و تقصیرها بپذیرند و با قدرت و تصمیم و اراده به پیش بروند.»

شگفت آنکه در یکی از غزلیات امام خمینی رحمته الله که چند سال قبل از رحلت سروده‌اند، این چنین آمده است:

انتظار فرج از نیمه خرداد کشم

سال‌های گذرد حادثه‌های آید





ساعت ۲۲:۲۰ شنبه ۱۳ خرداد ۱۳۶۸ لحظهٔ وصال بود. قلبی از کار ایستاد که میلیون‌ها قلب را با نور خدا و معنویت احیا کرده بود. به وسیلهٔ دوربین مخفی که دوستان امام در بیمارستان نصب کرده بودند، روزهای بیماری و جریان عمل و لحظهٔ لقای حق ضبط شده است. وقتی که گوشه‌هایی از حالات معنوی و آرامش امام علیه السلام در این ایام از تلویزیون پخش شد، غوغایی در دل‌ها افکند که وصف آن جز با بودن در آن فضا ممکن نیست: لب‌های امام علیه السلام دائماً به ذکر خدا در حرکت بود. در آخرین شب زندگی‌شان، درحالی‌که در سن ۸۷ سالگی چند عمل جراحی سخت و طولانی را تحمل کرده بودند و چند سرم به دست‌های مبارکشان وصل بود، نافلهٔ شب می‌خواندند و قرآن تلاوت می‌کردند. در ساعات آخر، طمأنینه و آرامشی ملکوتی داشتند و مرتباً شهادت به وحدانیت خدا و رسالت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را زمزمه می‌کردند و با چنین حالتی بود که روحشان به ملکوت اعلیٰ پرواز کرد.

وقتی که خبر رحلت امام علیه السلام منتشر شد، گویی زلزله‌ای عظیم رخ داده بود: بغض‌ها ترکید و سرتاسر ایران و همهٔ کانون‌هایی که در جهان با نام و پیام امام خمینی علیه السلام آشنا بودند، یکپارچه گریستند و بر سر و سینه زدند. هیچ قلم و بیانی قادر نیست ابعاد این حادثه و امواج احساسات کنترل‌نشده مردم در آن روزها را توصیف کند.

مردم ایران و مسلمانان انقلابی حق داشتند این چنین ضجه بزنند و صحنه‌هایی پدید آورند که در تاریخ نمونه‌ای پدین حجم و عظمت برای آن سراغ نداریم. آنان کسی را از دست داده بودند که عزت پایمال‌شده‌شان را بازگردانده بود، دست شاهان ستمگر و دست غارتگران آمریکایی و غربی را از سرزمینشان کوتاه کرده بود، اسلام را احیا کرده بود، مسلمین را عزت بخشیده بود، جمهوری اسلامی را برپا کرده بود، مقابل همهٔ قدرت‌های جهنمی و شیطانی دنیا ایستاده بود، ده سال در برابر صدها

توطئه براندازی و طرح کودتا و آشوب و فتنه داخلی و خارجی مقاومت کرده بود و ۸ سال دفاعی را فرماندهی کرده بود که در جبهه مقابلش دشمنی قرار داشت که آشکارا از سوی هر دو قدرت بزرگ شرق و غرب حمایت همه جانبه می شد. مردم، رهبر محبوب و مرجع دینی خود و منادی اسلام راستین را از دست داده بودند.

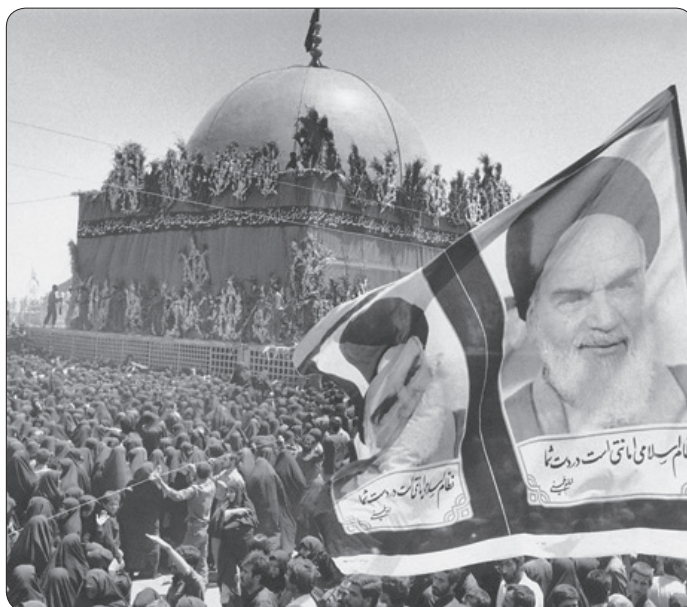
کسانی که قادر نیستند این مفاهیم را درک و هضم کنند، اگر حالات مردم را در فیلم های مراسم تودیع و تشییع و خاک سپاری پیکر مطهر امام خمینی (ره) مشاهده کنند، احتمالاً در تفسیر این واقعیت ها درمانده می شوند. شاید اگر خبر مرگ ده ها تن که در مقابل سنگینی این حادثه تاب تحمل نیاورده بودند و قلبشان از کار ایستاده بود را بشنوند و در فیلم ها و عکس ها پیکرهایی را ببینند که یکی پس از دیگری از شدت تأثر، بی هوش شدند و بر روی دست ها در امواج جمعیت به سوی درمانگاه ها روانه می شدند، به درک این مفاهیم نزدیک شوند. اما آنان که عشق را می شناسند و تجربه کرده اند، مشکلی نخواهند داشت. حقیقتاً مردم ایران عاشق امام خمینی (ره) بودند و چه شعار زیبا و گویایی در سالگرد رحلتش انتخاب کرده بودند که: «عشق به خمینی، عشق به همه خوبی هاست.»

۱۴ خرداد ۱۳۶۸ مجلس خبرگان رهبری تشکیل شد و پس از قرائت وصیت نامه امام خمینی (ره) توسط حضرت آیت الله خامنه ای (مدظله العالی) که دو ساعت و نیم طول کشید، بحث و تبادل نظر برای تعیین جانشین امام خمینی (ره) و رهبر انقلاب اسلامی آغاز شد. پس از چندین ساعت، سرانجام حضرت آیت الله خامنه ای (مدظله العالی)، رئیس جمهور وقت که خود از شاگردان امام خمینی (ره) و از چهره های درخشان انقلاب اسلامی و یاوران قیام ۱۵ خرداد بود و در تمام دوران نهضت امام، در همه فرازونشیب ها در جمع دیگر یاوران انقلاب جانبازی کرده بود، به اتفاق آرا برای این رسالت خطیر برگزیده شدند.

سال ها بود که غربی ها و عوامل تحت حمایتشان در داخل کشور، از شکست دادن امام مایوس شده بودند و وعده زمان مرگ امام (ره) را می دادند؛ ولی هوشمندی ملت ایران و انتخاب سریع و شایسته خبرگان و حمایت فرزندان و پیروان امام (ره) همه امیدهای ضد انقلاب را بر باد داد و نه تنها رحلت امام (ره) پایان راه ایشان نبود؛ بلکه در واقع عصر امام خمینی (ره) در پهنه ای وسیع تر از گذشته آغاز شده بود. مگر اندیشه و خوبی و معنویت و حقیقت می میرد؟!!

روز و شب ۱۵ خرداد ۱۳۶۸ میلیون ها نفر از مردم تهران و





سوگوارانی که از شهرها و روستاها آمده بودند، در محل مصلاي بزرگ تهران اجتماع کردند تا برای آخرین بار با پیکر مطهر مردی وداع کنند که با قیامش، قامت خمیده ارزش‌ها و کرامت‌ها را در عصر سیاه ستم استوار و در دنیا نهضتی از خداخواهی و بازگشت به فطرت انسانی را آغاز کرده بود.

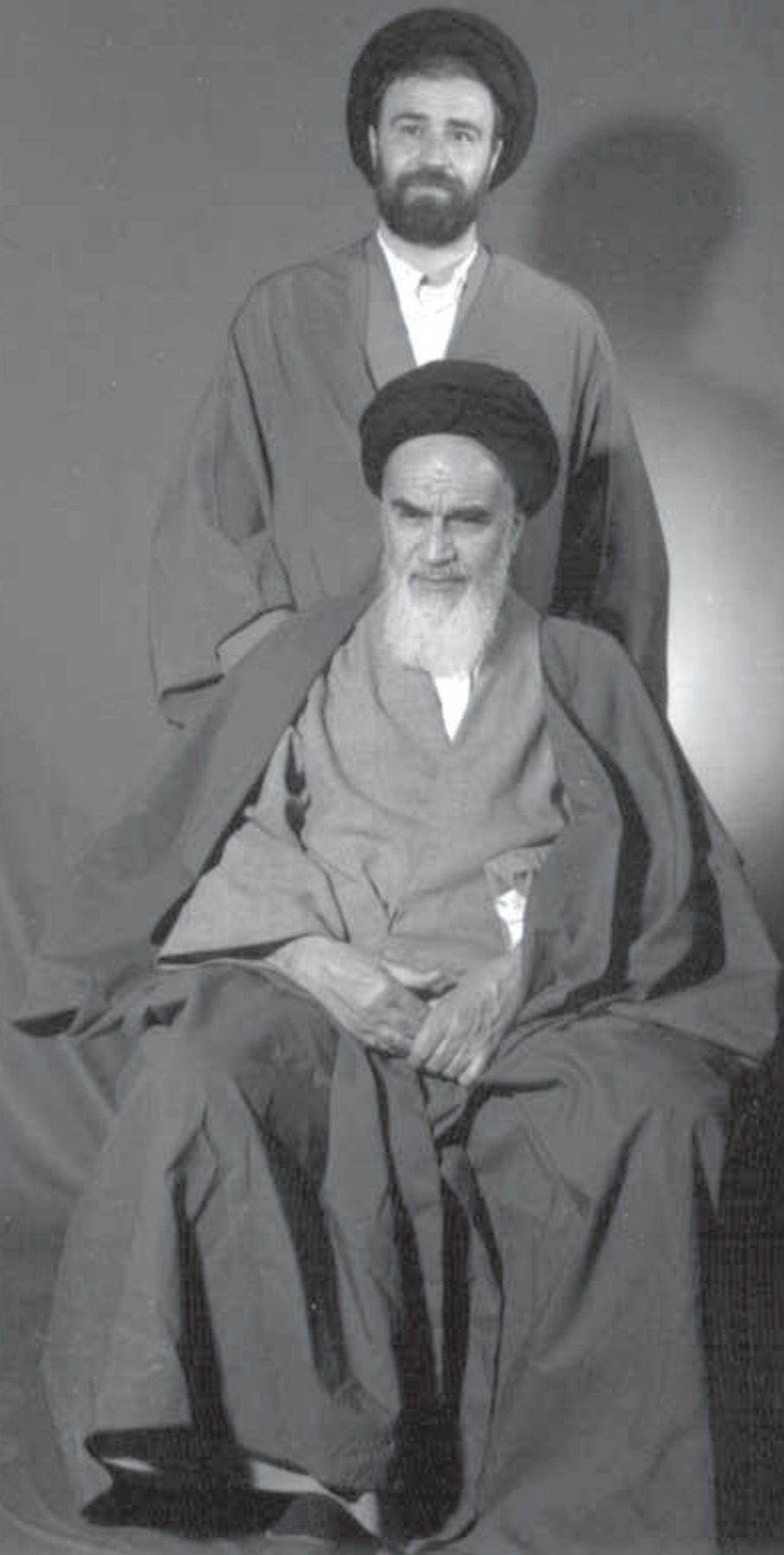
هیچ اثری از تشریفات بی‌روح مرسوم در مراسم رسمی نبود. همه چیز بسیجی و مردمی و عاشقانه بود. پیکر پاک و سبزیپوش امام علیه السلام بر بالای بلندی و در حلقه میلیونها نفر از جمعیت ماتم زده، چون نگینی می‌درخشید. هرکس به زبان خویش با امامش زمزمه می‌کرد و اشک می‌ریخت. سرتاسر اتوبان و راه‌های منتهی به مصلا، مملو از جمعیت سیاه‌پوش بود. پرچم‌های عزا بر در و دیوار شهر آویخته شده بود و آوای قرآن از تمام مساجد و مراکز و ادارات و منازل به گوش می‌رسید. شب که فرارسید، هزاران شمع به یاد مشعلی که امام علیه السلام افروخته بود، در بیابان مصلا و تپه‌های اطراف آن روشن شد. خانواده‌های داغ‌دار گرداگرد شمع‌ها نشسته بودند و چشمانشان بر آن بلندای نورانی دوخته شده بود که پیکر مطهر امام علیه السلام روی آن قرار گرفته بود.

فریاد «یا حسین» بسیجیان که احساس یتیمی می‌کردند و بر سر و سینه می‌زدند، فضا را عاشورایی کرده بود. باور اینکه دیگر صدای دلنشین امام خمینی علیه السلام در حسینیه جماران شنیده نمی‌شود، طاقت‌ها را برده بود. مردم شب را در کنار پیکر امام به صبح رساندند و در نخستین ساعات بامداد ۱۶ خرداد، میلیون‌ها تن به امامت آیت‌الله‌العظمی گلپایگانی رحمته الله علیه با چشمانی اشک‌بار بر پیکر رهبر عزیزشان نماز گذاردند.

انبوه جمعیت و شکوه حماسه حضور مردم در روز ورود امام خمینی (ره) به کشور در ۱۲ بهمن ۱۳۵۷ و تکرار گسترده‌تر این حماسه در مراسم تشییع پیکر امام (ره) از شگفتی‌های تاریخ است. خبرگزاری‌های رسمی جهانی، جمعیت استقبال‌کننده را در سال ۱۳۵۷ تا ۶ میلیون نفر و جمعیت حاضر در مراسم تشییع را تا ۹ میلیون نفر تخمین زدند. این درحالی بود که طی دوران یازده ساله حکومت امام خمینی (ره) که به واسطه اتحاد کشورهای غربی و شرقی در دشمنی با انقلاب و نیز تحمیل جنگ هشت‌ساله و صدها توطئه دیگر، مردم ایران سختی‌ها و مشکلات فراوانی را تحمل کرده و عزیزان بی‌شماری را در این راه از دست داده بودند، انتظار می‌رفت به تدریج خسته و دلسرد شده باشند؛ اما هرگز چنین نشد. نسل پرورش یافته در مکتب الهی امام خمینی (ره) به این فرموده امامشان ایمان کامل داشتند که: «در جهان، حجم تحمل زحمت‌ها و رنج‌ها و فداکاری‌ها و جان‌نثاری‌ها و محرومیت‌ها مناسب حجم بزرگی مقصود و ارزشمندی و علو رتبه آن است.»

پس از آنکه مراسم تدفین به علت شدت احساسات عزاداران امکان ادامه نیافت، طی اطلاعیه‌های مکرر از رادیو اعلام شد که مردم به خانه‌هایشان بازگردند، مراسم به بعد موکول شده است و زمان آن بعداً اعلام می‌شود. برای مسئولان تردیدی نبود که هرچه زمان بگذرد، صدها هزار تن از دیگر علاقه‌مندان امام (ره) که از شهرهای دور راهی تهران شده‌اند نیز به جمعیت تشییع‌کننده افزوده خواهند شد؛ از این رو ناگزیر در بعدازظهر همان روز، مراسم تدفین با همان احساسات و به‌دشواری انجام شد که گوشه‌هایی از آن به وسیله خبرنگاران به سراسر جهان مخابره شد. بدین‌سان رحلت امام خمینی (ره) نیز همچون حیاتشان منشأ بیداری و نهضتی دوباره شد و راه و یاد این رهبر آزاده جاودانه ماند؛ چراکه حقیقت بودند و حقیقت همیشه زنده است و فناپذیر.





زندگی امام به روایت امام

متن زیر فرازهایی از زندگی امام خمینی رحمته الله است که پس از توضیحات معظم له، فرزند گرامی ایشان حضرت حجت الاسلام والمسلمین حاج سیداحمد خمینی رحمته الله آن را نوشته اند؛ سپس حضرت امام رحمته الله آن را اصلاح کرده اند:

بسمه تعالی

به حسب شناسنامه شماره ۲۷۴۴، تولد ۱۲۷۹ شمسی در خمین؛ اما در واقع ۲۰ جمادی الثانی ۱۳۲۰ ق، مطابق [با] اول مهر ۱۲۸۱ شمسی است. (۱۸ جمادی الثانی ۱۳۲۰ مطابق [با] ۳۰ شهریور ۱۲۸۱ صحیح است.)

نام خانوادگی: مصطفوی؛ پدر: آقامصطفی؛ مادر: خانم هاجر، دختر مرحوم آقامیرزا احمد مجتهد خوانساری الاصل و خمینی المسکن. صدور در گلپایگان به وسیله صفری نژاد، رئیس اداره آمار ثبت گلپایگان.

در خمین در مکتب خانه مرحوم ملا ابوالقاسم تحصیل [را] شروع [کردم] و نزد مرحوم آقاشیخ جعفر و مرحوم میرزا محمود (افتخار العلماء) درس های ابتدایی [را گذراندم]؛ سپس در خلال آن نزد مرحوم حاج میرزا محمد مهدی [دایی] مقدمات [را]... و نزد مرحوم آقای نجفی خمینی، منطق [را] شروع [کردم]... نزد برادر خودشان حاج آقامریضی [نیز سیوطی و شرح باب حادی عشر و] منطق و مسلماً در مطول مقداری [را گذراندم]. در اراک که سنه ۱۳۳۹ قمری برای تحصیل رفتم، نزد مرحوم آقاشیخ محمد علی بروجردی، مطول و نزد مرحوم آقاشیخ محمد گلپایگانی، منطق و نزد مرحوم آقاعباس اراکی، شرح لمعه [را فراگرفتم].

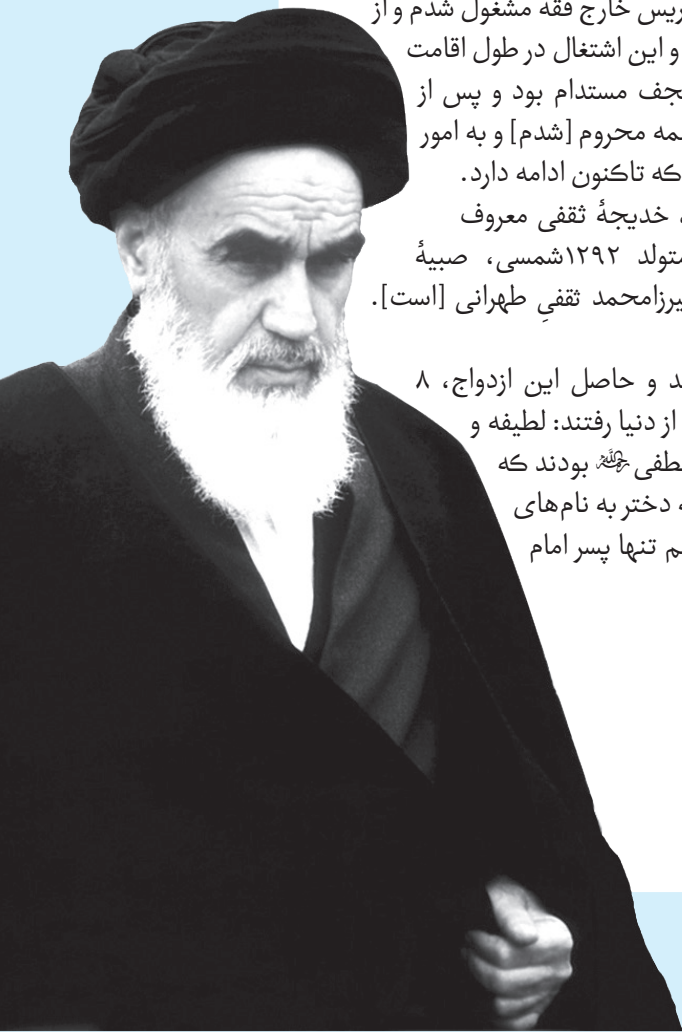
پس از هجرت به قم، به دنبال هجرت مرحوم آیت الله [العظمی] حاج شیخ عبدالکریم رحمته الله تتمه مطول را نزد مرحوم ادیب تهرانی، موسوم به آقامیرزا محمد علی و سطوح را نزد مرحوم آقای حاج سید محمد تقی خوانساری مقداری و



بیشتر[ش را] نزد مرحوم آقامیرزا سیدعلی یثربی کاشانی تا آخر سطوح [گذراندم] و با ایشان به درس خارج مرحوم آیت الله [العظمی حاج شیخ عبدالکریم] حائری می‌رفتیم و عمده تحصیلات خارج [من] نزد ایشان بوده است و فلسفه را [نزد] مرحوم حاج سید ابوالحسن قزوینی و ریاضیات [یعنی هیئت، حساب را هم] نزد ایشان و مرحوم آقامیرزا علی اکبر یزدی [فرا گرفتم] و عمده استفاده در علوم معنوی و عرفانی [من] نزد مرحوم آقای آقامیرزا محمدعلی شاه آبادی بوده است.

پس از فوت مرحوم آقای حائری با عده‌ای از رفقا بحث داشتیم، تا آنکه مرحوم آقای بروجردی رحمته به قم آمدند. برای ترویج ایشان به درس ایشان رفتم و استفاده هم نمودم و از مدت‌ها قبل از آمدن آقای بروجردی، عمده اشتغال [من] معطوف [به تدریس معقول و عرفان و سطوح عالیه اصول و فقه بود. پس از آمدن ایشان به تقاضای آقایان، مثل مرحوم آقای مطهری، به تدریس خارج فقه مشغول شدم و از علوم عقلیه بازماندم و این اشتغال در طول اقامت قم و مدت اقامت نجف مستدام بود و پس از انتقال به پاریس از همه محروم [شدم] و به امور دیگر اشتغال داشتم که تاکنون ادامه دارد. نام عیال این‌جانب، خدیجه ثقفی معروف به قدس ایران، متولد ۱۲۹۲ شمسی، صبیّه حضرت آقای حاج میرزا محمد ثقفی طهرانی [است]. تاریخ ازدواج: ۱۳۰۸.

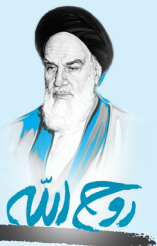
امام خمینی رحمته در سال ۱۳۰۸ ازدواج کردند و حاصل این ازدواج، ۸ فرزند بود که ۳ نفر از آن‌ها در دوران کودکی از دنیا رفتند: لطیفه و سعیده و سیدعلی. فرزند بزرگ امام رحمته آقامصطفی رحمته بودند که به شهادت رسیدند. بعد از ایشان، صاحب سه دختر به نام‌های زهرا و فریده و صدیقه شدند. حاج احمد آقا هم تنها پسر امام بودند که در زمان حیات ایشان زنده بودند.





روز شمار برخی مبارزات و تبعیدهای امام خمینی رحمته الله

- ۱۶ مهر ۱۳۴۱: جلسه مهم امام خمینی رحمته الله با مراجع قم، درباره انجمن‌های ایالتی و ولایتی.
- ۱۱ آذر ۱۳۴۱: لغو تصویب‌نامه ساختگی انجمن‌های ایالتی و ولایتی، به دنبال مبارزات پیگیر امام خمینی رحمته الله و صدور پیام آن بزرگوار درباره ختم این غائله.
- ۲ بهمن ۱۳۴۱: تحریم رفتارندوم غیرقانونی و قلابی شاه، از سوی امام خمینی رحمته الله.
- ۲ فروردین ۱۳۴۲: فاجعه خونین مدرسه فیضیه به دست عمال رژیم شاه.
- ۱۵ خرداد ۱۳۴۲: دستگیری شبانه امام خمینی رحمته الله و قیام تاریخی ملت ایران در اعتراض به دستگیری آن بزرگوار.
- ۴ تیر ۱۳۴۲: انتقال امام خمینی رحمته الله از پادگان قصر به سلولی در عشرت آباد.
- ۲۱ فروردین ۱۳۴۳: سخنرانی تاریخی امام خمینی رحمته الله در مسجد اعظم قم، پس از آزادی از حبس.
- ۴ آبان ۱۳۴۳: سخنرانی کوبنده امام خمینی رحمته الله به مناسبت طرح اسارت بارکاپیتو لاسیون.
- ۱۳ آبان ۱۳۴۳: بازداشت و تبعید امام خمینی رحمته الله به ترکیه.
- ۲۱ آبان ۱۳۴۳: انتقال امام خمینی رحمته الله از آنکارا به بورسای ترکیه.
- ۱۳ مهر ۱۳۴۴: انتقال امام خمینی رحمته الله از ترکیه به بغداد.
- ۱۶ مهر ۱۳۴۴: حرکت امام خمینی رحمته الله از سامرا به کربلا، بعد از تبعید به عراق.
- ۲۳ مهر ۱۳۴۴: ورود و استقرار امام خمینی رحمته الله در نجف، بعد از تبعید به عراق.
- ۲۳ آبان ۱۳۴۴: شروع درس‌های حوزوی امام خمینی رحمته الله در نجف، پس از تبعید به عراق.
- ۱۲ اردیبهشت ۱۳۵۶: پیام امام خمینی رحمته الله به مناسبت چهل‌م شهدای قم.
- ۲ مهر ۱۳۵۷: محاصره منزل امام خمینی رحمته الله توسط نیروهای بعثی عراق.
- ۱۰ مهر ۱۳۵۷: هجرت امام خمینی رحمته الله از عراق به کویت.
- ۱۳ مهر ۱۳۵۷: هجرت امام خمینی رحمته الله از عراق به فرانسه.
- ۱۲ بهمن ۱۳۵۷: بازگشت امام خمینی رحمته الله به میهن اسلامی، پس از ۱۵ سال تبعید.



خلاصه وصیت نامه امام خمینی (ره)

■ برتری ملت ایران در عصر حاضر

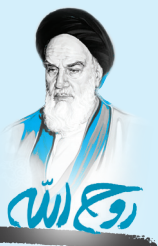
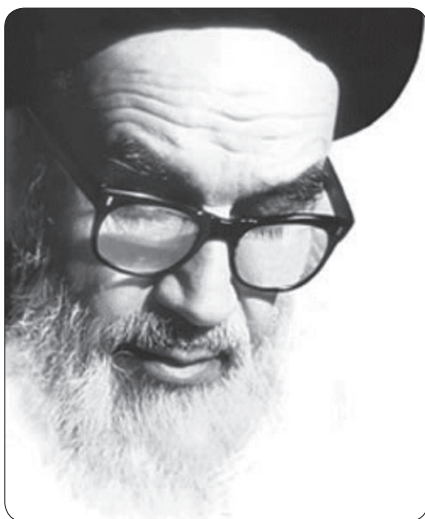
من با جرئت مدعی هستم که ملت ایران و توده میلیونی آن در عصر حاضر، بهتر از ملت حجاز در عهد رسول الله ﷺ و [ملت] کوفه و عراق در عهد امیرالمؤمنین و حسین بن علی (صلوات الله وسلامه علیهما) می باشند. [بهترند از] آن حجاز که در عهد رسول الله ﷺ مسلمانان نیز اطاعت از ایشان نمی کردند و با بهانه‌هایی به جبهه نمی رفتند که خداوند تعالی در سوره توبه با آیاتی آن‌ها را توبیخ فرموده و وعده عذاب داده است و [ملت حجاز] آن قدر به ایشان دروغ بستند که به حسب نقل، در منبر به آنان نفرین فرمودند و آن اهل عراق و کوفه که با امیرالمؤمنین آن قدر بدرفتاری کردند و از اطاعتش سر باز زدند که شکایات آن حضرت از آنان، در کتب نقل و تاریخ معروف است و آن مسلمانان عراق و کوفه که با سیدالشهدا (علیه السلام) آن شد که شد و آنان که در شهادت [ایشان] دست آلوده نکردند: یا گریختند از معرکه و یا نشستند تا آن جنایت تاریخ واقع شد.

اما امروز می بینیم که ملت ایران از قوای مسلح نظامی و انتظامی و سپاه و بسیج تا قوای مردمی از عشایر و داوطلبان و از قوای در جبهه‌ها و مردم پشت جبهه‌ها با کمال شوق و اشتیاق چه فداکاری‌ها می کنند و چه حماسه‌ها می آفرینند و می بینیم که مردم محترم سراسر کشور چه کمک‌های ارزنده [ای] می کنند و می بینیم که بازماندگان شهدا و آسیب دیدگان جنگ و متعلقان آنان با چهره‌های حماسه آفرین و گفتار و کرداری مشتاقانه و اطمینان بخش، با ما و شما روبه‌رو می شوند و این‌ها همه از عشق و علاقه و ایمان سرشار آنان است به خداوند متعال و اسلام و حیات جاویدان؛ در صورتی که نه در محضر مبارک رسول اکرم ﷺ هستند و نه در محضر امام معصوم (صلوات الله علیه) و انگیزه آنان ایمان و اطمینان به غیب است و این رمز موفقیت و پیروزی در ابعاد مختلف است و اسلام باید افتخار کند که چنین فرزندانی تربیت نموده و ما همه مفتخریم که در چنین عصری و در پیشگاه چنین ملتی می باشیم.

■ توطئه جدایی دانشگاه و حوزه

توصیه این جانب آن است که نسل حاضر و آینده غفلت نکنند و دانشگاهیان و جوانان برومند عزیز هرچه بیشتر با روحانیان و طلاب علوم اسلامی، پیوند دوستی و تفاهم را محکم‌تر و استوارتر سازند و از نقشه‌ها و توطئه‌های دشمن غدار غافل نباشند





و به مجرد آنکه فرد یا افرادی را دیدند که با گفتار و رفتار خود، در صدد است بذر نفاق بین آنان افکند، او را ارشاد و نصیحت نمایند و اگر تأثیر نکرد، از او روگردان شوند و او را به انزوا کشانند و نگذارند توطئه ریشه دواند؛ [چرا] که سرچشمه را به آسانی می‌توان گرفت و مخصوصاً اگر در اساتید کسی پیدا شد که می‌خواهد انحراف ایجاد کند، او را ارشاد [کنند] و اگر [اصلاح] نشد، از خود و کلاس خود، طرد [ش] کنند و این توصیه بیشتر متوجه روحانیون و محصلین علوم دینی است و توطئه‌ها در دانشگاه‌ها از عمق ویژه‌ای برخوردار است و هر قشر محترم که مغز متفکر جامعه هستند، باید مواظب توطئه‌ها باشند.

■ ضرورت تکیه بر متخصصان داخلی

من وصیت دلسوزانه و خادمانه می‌کنم به ملت عزیز که اکنون که تا حدود بسیار چشمگیری از بسیاری از این دام‌ها نجات یافته و نسل محروم حاضر به فعالیت و ابتکار برخاسته [است] و دیدیم که [در] بسیاری از کارخانه‌ها و وسایل پیشرفته، مثل هواپیماها و دیگر چیزها که گمان نمی‌رفت متخصصین ایران قادر به راه‌انداختن کارخانه‌ها و امثال آن باشند و همه دست‌ها [یمان] را به سوی غرب یا شرق دراز کرده بودیم که متخصصین آنان این‌ها را به راه اندازند، در اثر محاصره اقتصادی و جنگ تحمیلی، خود جوانان عزیز ما قطعات محل احتیاج را ساخته و با قیمت‌های ارزان‌تر عرضه کرده و رفع احتیاج نمودند و ثابت کردند که اگر بخواهیم، می‌توانیم! باید هشیار و بیدار و مراقب باشید که سیاست‌بازان پیوسته به غرب و شرق، با وسوسه‌های شیطانی، شما را به سوی این چپاولگران بین‌المللی نکشد و با اراده

مصمم و فعالیت و پشتکار، خود به رفع وابستگی‌ها قیام کنید و بدانید که نژاد آریا و عرب از نژاد اروپا و آمریکا و شوروی کم ندارد و اگر خودی خود را بیابد و یأس را از خود دور کند و چشمداشت به غیر خود نداشته باشد، در درازمدت، قدرت [انجام] همه کار و ساختن همه چیز را دارد و آنچه انسان‌های شبیه به اینان به آن رسیده‌اند، شما هم خواهید رسید، به شرط اتکال به خداوند تعالی و اتکای به نفس و قطع وابستگی به دیگران و تحمل سختی‌ها برای رسیدن به زندگی شرافتمندانه و خارج شدن از تحت سلطهٔ اجانب.

و بر دولت‌ها و دست‌اندرکاران است، چه در نسل حاضر و چه در نسل‌های آینده که از متخصصین خود قدردانی کنند و آنان را با کمک‌های مادی و معنوی تشویق به کار نمایند و از ورود کالاهای مصرف‌ساز و خانه‌برانداز جلوگیری نمایند و به آنچه دارند، بسازند تا خود، همه چیز بسازند.

■ توصیه به جوانان

از جوانان، دختران و پسران می‌خواهم که استقلال و آزادی و ارزش‌های انسانی را ولو با تحمل زحمت و رنج، فدای تجملات و عشرت‌ها و بی‌بندوباری‌ها و حضور در مراکز فحشا که از طرف غرب و عمال بی‌وطن به شما عرضه می‌شود، نکنند؛ [چرا] که آنان چنانچه تجربه نشان داده [است]، جز تباهی شما و اغفالتان از سرنوشت کشورتان و چاپیدن ذخایر شما و به بند استعمار و ننگ وابستگی کشیدنتان و مصرفی نمودن ملت و کشورتان، به چیز دیگر فکر نمی‌کنند و می‌خواهند با این وسایل و امثال آن شما را عقب مانده و به اصطلاح آنان نیمه وحشی نگه دارند.

■ وظیفهٔ رسانه‌های جمعی در عصر حاضر

اکنون وصیت من به مجلس شورای اسلامی در حال و آینده و رئیس‌جمهور و رؤسای جمهور مابعد و به شورای نگهبان و شورای قضایی و دولت در هر زمان، آن است که نگذارند این دستگاه‌های خبری و مطبوعات و مجله‌ها از اسلام و مصالح کشور منحرف شوند و باید همه بدانیم که آزادی به شکل غربی آن که موجب تباهی جوانان و دختران و پسران می‌شود، از نظر اسلام و عقل، محکوم است و تبلیغات و مقالات و سخنرانی‌ها و کتب و مجلات برخلاف اسلام و عفت عمومی و مصالح کشور، حرام است و بر همهٔ ما و همهٔ مسلمانان جلوگیری از آن‌ها واجب است و از آزادی‌های مخرب باید جلوگیری شود و از آنچه در نظر شرع، حرام و آنچه برخلاف



مسیر ملت و کشور اسلامی و مخالف با حیثیت جمهوری اسلامی است، به طور قاطع اگر جلوگیری نشود، همه مسئول می‌باشند و مردم و جوانان حزب‌اللهی اگر برخورد به یکی از امور مذکور نمودند، به دستگاه‌های مربوطه رجوع کنند و اگر آنان کوتاهی نمودند، خودشان مکلف به جلوگیری هستند. خداوند تعالی مددکار همه باشد.

■ مسلمانان باید خود به پا خیزند

وصیت من به همه مسلمانان و مستضعفان جهان این است که شماها نباید بنشینید و منتظر آن باشید که حکام و دست‌اندرکاران کشورتان یا قدرت‌های خارجی بیایند و برای شما استقلال و آزادی را تحفه بیاورند. ما و شماها لااقل در این صد سال اخیر که به تدریج پای قدرت‌های بزرگ جهان‌خوار به همه کشورهای اسلامی و سایر کشورهای کوچک باز شده است، مشاهده کردیم یا تاریخ‌های صحیح برای ما بازگو کردند که هیچ‌یک از دُول حاکم بر این کشورها در فکر آزادی و استقلال و رفاه ملت‌های خود نبوده و نیستند؛ بلکه اکثریت قریب به اتفاق آنان، یا خود به ستمگری و اختناق [سرکوب] ملت خود پرداخته و هرچه کرده‌اند، برای منافع شخصی یا گروهی نموده یا برای رفاه قشر مرفه و بالانشین بوده [است] و طبقات مظلوم کوخ‌نشین و کپر‌نشین از همه مواهب زندگی، حتی مثل آب و نان و قوت‌لایموت محروم بوده و آن بدبختان را برای منافع قشر مرفه و عیاش به کار گرفته‌اند و با آنکه [این دُول حاکم] دست‌نشانندگان قدرت‌های بزرگ بوده‌اند که برای وابسته کردن کشورها و ملت‌ها هرچه توان داشته‌اند، به کار گرفته و با حیل‌های مختلف، کشورها را بازاری برای شرق و غرب درست کرده و منافع آنان را تأمین نموده‌اند و ملت‌ها را عقب‌مانده و مصرفی بار آوردند و اکنون نیز با این نقشه در حرکت‌اند.

و شما ای مستضعفان جهان و ای کشورهای اسلامی و مسلمانان جهان! به پا خیزید و حق را با چنگ و دندان بگیرید و از هیاهوی تبلیغاتی ابرقدرت‌ها و عمال سرسپرده آنان نترسید و حکام جنایتکار [را] که دسترنج شما را به دشمنان شما و [دشمنان] اسلام عزیز تسلیم می‌کنند، از کشور خود برانید و خود و طبقات خدمتگزار متعهد، زمام امور را به دست بگیرید و همه در زیر پرچم پرافتخار اسلام مجتمع [شوید] و با دشمنان اسلام و محرومان جهان به دفاع برخیزید و به سوی یک دولت اسلامی با جمهوری‌های آزاد و مستقل به پیش روید که با تحقق آن، همه مستکبران جهان را به جای خود خواهید نشاند و همه مستضعفان را به امامت و وراثت ارض خواهید رساند. به امید آن روز که خداوند تعالی وعده فرموده است.



توضیحات شرکت در مسابقه فرهنگی «روح الله»

- سؤال‌ها از متن موجود طرح شده است و افرادی که بیش از دوازده سال دارند، می‌توانند در مسابقه شرکت کنند.
- به روش‌های زیر می‌توانید در مسابقات فرهنگی شرکت کنید:

۱. ارسال پاسخ به سامانه پیامکی ۳۰۰۰۸۰۲۲۲۲ برای این کار، کافی است به ترتیب، نام مسابقه، شماره گزینه‌های صحیح سؤال‌ها به صورت یک عدد پنج‌رقمی از چپ به راست و نام و نام خانوادگی خود را به سامانه پیامکی ۳۰۰۰۸۰۲۲۲۲ بفرستید؛ مثال:

روح‌الله ۱۲۴۳۲ حسن محمدزاده

۲. مراجعه به بخش مسابقات پرتال جامع آستان قدس رضوی به نشانی:

www.razavi.aqr.ir

۳. پاسخ به سؤال‌ها در پاسخ‌نامه: پاسخ‌نامه تکمیل شده را می‌توانید در صندوق‌های مخصوص مستقر در کیوسک‌های راهنمای زائر ببیند یا به صندوق پستی ۹۱۷۳۵-۳۵۱ ارسال کنید.

- هزینه ارسال پاسخ‌نامه از طریق قرارداد «پست جواب قبول» پرداخت شده است و برای ارسال پاسخ‌نامه، لازم نیست از پاکت و تمبر استفاده کنید.
- پیامک‌ها و پاسخ‌نامه‌های تکراری و ناقص حذف می‌شود.
- آخرین مهلت شرکت در مسابقه، سه‌شنبه ۱۵ تیر ۱۳۹۵ است.
- قرعه‌کشی از بین پاسخ‌های صحیح و کامل و به صورت روزانه انجام می‌شود. نتیجه آن هم از طریق سامانه پیامکی گفته شده به اطلاع برندگان می‌رسد.

این متن حاوی آیات قرآن و اسامی متبرک است. شایسته است در حفظ حرمت آن بکوشیم.

تذکر: پیشنهادها و انتقادهای خود را در پیامک جداگانه‌ای ارسال کنید.

تلفن: ۰۵۱-۳۲۰۰۲۵۶۹



سؤال‌ها

سؤال اول: ویژگی‌های برجسته قیام سراسری روحانیان و ملت ایران در ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ کدام‌اند؟

۱. حضور بازاریان در صحنه مبارزات این قیام و واژه شدید رژیم از حضور آنان
۲. اسلامی بودن انگیزه‌ها و شعارها و هدف‌های این قیام و پیش‌گامی روحانیان در آن
۳. رهبری واحد امام خمینی ره و اسلامی بودن انگیزه‌ها و شعارها و هدف‌های این قیام
۴. تأکید مستمر امام خمینی ره به حضور حداکثری مردم، به ویژه بازاریان در این مبارزه



۳۳

سؤال دوم: در نظر امام خمینی ره یگانه نقطه امید به رهایی و نجات از وضعیت ذلت بار، پس از شکست مشروطیت و به خصوص پس از روی کار آوردن رضاخان چه بود؟

۱. روشن شدن ماهیت گروه‌های سیاسی وابسته و لیبرال برای توده مردم انقلابی، به ویژه جوانان
۲. حضور نیروهای مذهبی، به ویژه نیروهای نظامی مذهبی در صحنه مبارزه علیه رژیم
۳. از بین بردن نفوذ عناصر بهایی موجود در صدر مناصب کشور و به کارگماردن نیروهای ارزشی
۴. بیداری حوزه‌های علمیه و پیش از آن، تضمین حیات حوزه‌ها و ارتباط معنوی مردم با روحانیان

سؤال سوم: شرط حمایت‌های آمریکا از شاه، پشتیبانی شاه از رژیم صهیونیستی در توسعه مناسبات ایران و اسرائیل بود. کدام گزینه این شرط را تحقق می‌بخشید؟

۱. تبعید امام خمینی ره به ترکیه و دور کردن ایشان از صحنه مبارزات
۲. نفوذ پیروان مسلک استعماری بهائیت در قوای سه گانه ایران
۳. مخالفت آشکار رژیم با طرح اصلاح اساس ساختار حوزه علمیه
۴. هجرت دسته جمعی علما به نجف اشرف و خالی شدن حوزه‌ها

سؤال چهارم: امام خمینی رحمته الله علیه در پاسخ تلگراف آیت الله العظمی حکیم رحمته الله علیه درباره هجرت علما به نجف چه فرمودند؟

۱. هجرت دسته جمعی علما و خالی کردن حوزه علمی قم به مصلحت نیست
۲. این کار برای حفظ جان علما و کیان حوزه های علمیه ضروری است
۳. در صورت ضرورت، فقط تعداد محدودی از علما و روحانیان به نجف بروند
۴. هجرت برخی علما به نجف، باعث بدبینی مردم به روحانیان می شود

سؤال پنجم: امام خمینی رحمته الله علیه در وصیت نامه خود، رمز موفقیت و پیروزی ملت ایران را چه دانسته اند؟

۱. اینکه شجاعت و دلیری ذاتی قوم آریایی ها را دارند
۲. اینکه به رفاه و آسایش بیشتر در آینده امید دارند
۳. اینکه بر اتحاد حوزه و دانشگاه اهتمام می ورزند
۴. اینکه انگیزه آنان ایمان و اطمینان به غیب است



لبه کاغذ را پس از برش، تا زده و بچسبانید

پست جواب قبول



فرستنده:

.....

.....

کدپستی:

از این قسمت تا شود

هزینه پستی بر اساس قرارداد شماره ۲۵۱ - ۹۱۷۳۴ پرداخت شده است.

طرف قرارداد: اداره تولیدات فرهنگی آستان قدس رضوی

صندوق پستی: ۳۵۱ - ۹۱۷۳۵

پاسخ نامہ مسابقہٴ فرهنگی «روح اللہ»

نام و نام خانوادگی: نام پدر:

.....تحصیلات: استان: شهر:

تلفن ثابت باکد شهر: شماره همراه:

سؤال	گزینه	۱	۲	۳	۴
سؤال اول					
سؤال دوم					
سؤال سوم					
سؤال چهارم					
سؤال پنجم					

فرم نظر سنجی کتاب

ردیف	موضوع	نظرات	نظرات	میانگین	تعداد	نظرات
۱	میزان رضایت از جذابیت ظاهری، مانند طرح جلد، اندازه و ...					
۲	میزان شیوایی مطالب					
۳	قابلیت فهم مطالب					
۴	میزان جذابیت و تازگی موضوع و مطالب					
۵	میزان تأثیرگذاری و مفید بودن مطالب					
۶	میزان تناسب محتوا با نیاز شما					
۷	میزان تناسب سؤال ها با موضوع					
۸	میزان رضایت کلی					

پیشنهادهای و انتقادات: - - - - -

- - - - -

- - - - -